



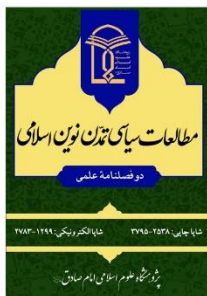
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://ijs.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026



Elucidating the Second Step Statement of the Islamic Revolution Based on Spragens' Model

Mojtaba Pashaei Alizadeh*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.547882.1199>

Received: 2025/09/18 - Revised: 2025/11/07 - Accepted: 2025/11/24

Article Type: Research Article

Abstract

The “Second Step of the Islamic Revolution” statement, as a strategic document, outlines the future trajectory of the Islamic Republic of Iran; however, its internal structure and underlying logic have received limited scholarly attention. This study aims to analyze the statement’s logical structure based on Thomas Spragens’s crisis theory framework. Accordingly, the text is examined through four stages: identification of crisis, explanation of causes, depiction of the desired state, and proposed solutions. The findings indicate that the statement addresses key challenges facing the Islamic Republic, including the gap between ideals and realities, media crises, scientific underdevelopment, economic instability, cultural infiltration, and the spread of despair among youth. It further analyzes the historical, structural, and cultural roots of these crises. In addition, the statement presents a vision of an ideal society grounded in independence, social justice, scientific progress, spirituality, cultural authority, and religious democracy. Emphasizing the role of youth, it highlights internal capacities and practical strategies such as scientific advancement, a resistance economy, and the promotion of ethics and spirituality to achieve the New Islamic Civilization. The results show that the statement closely aligns with Spragens’ theoretical model and can serve as a conceptual framework for macro-level policymaking, institutional transformation, and future research toward sustainable development and civilizational progress in Iran.

Keywords: Second Step Statement, Crisis Theory, Thomas Spragens, Ideal Society, New Islamic Civilization.

*. PhD Graduate, Department of Political Science, Faculty of Political Studies, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. Email: mojtaba854@gmail.com



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 3796-2338 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگاه شهری: http://sjs.isri.ac.ir

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر پایه الگوی اسپریگنز

مجتبی پاشائی علیزاده*

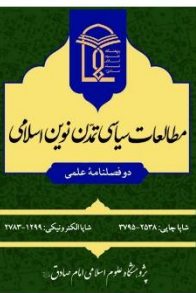
Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.547882.1199>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳
نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به منزله سندی راهبردی، مسیر آینده جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌کند؛ اما تحلیل ساختار درونی و منطق حاکم بر آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف واکاوی ساختار منطقی بیانیه، بر پایه چهارچوب نظری «نظریه بحران» توماس اسپریگنز انجام شده است. در این چهارچوب، متن بیانیه بر اساس چهار مرحله مدل اسپریگنز، شامل مشاهده بحران، تبیین علل، ترسیم وضع مطلوب و ارائه راه‌حل، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد بیانیه به چالش‌های اصلی جمهوری اسلامی، از جمله فاصله میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها، بحران رسانه‌ای، عقب‌ماندگی علمی، نابسامانی اقتصادی، نفوذ فرهنگی و یأس‌آفرینی در میان جوانان اشاره کرده و ریشه‌های تاریخی، ساختاری و فرهنگی این بحران‌ها را تحلیل می‌کند. همچنین تصویری از جامعه مطلوب مبتنی بر استقلال، عدالت اجتماعی، پیشرفت علمی، معنویت، اقتدار فرهنگی و مردم‌سالاری دینی ارائه می‌دهد و با تأکید بر نقش جوانان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و راهبردهای عملی، همچون توسعه علمی، اقتصاد مقاومتی و ارتقای اخلاق و معنویت، مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را تبیین می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با الگوی نظری اسپریگنز انطباق کامل دارد و می‌تواند چهارچوبی نظری برای سیاست‌گذاری کلان، تحول نهادی و پژوهش‌های آینده در مسیر توسعه پایدار و پیشرفت تمدنی ایران باشد.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، نظریه بحران، توماس اسپریگنز، جامعه آرمانی، تمدن نوین اسلامی.



* دانش‌آموخته دکتری گروه علوم سیاسی،
دانشکده مطالعات سیاسی، دانشگاه
باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.
mojtaba854@gmail.com

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، که در بهمن ماه ۱۳۹۷ از سوی رهبر شهید انقلاب اسلامی صادر شد، نه صرفاً یک پیام سیاسی یا مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی، بلکه سندی راهبردی و تمدن‌ساز است که می‌کوشد با ترسیم پیوندی معنا دار میان گذشته، حال و آینده، افق‌های بلندمدت جمهوری اسلامی ایران را تعریف کند و سامان بخشد. این بیانیه با بازخوانی گذشته، تبیین موقعیت فعلی و ارائه افق‌های آینده، واجد نوعی «طرح کلان معناپرداز» است که هدف آن ترسیم و بازسازی نظام معنایی جمهوری اسلامی ایران، برای نسل جوان، نخبگان فکری و بدنه مدیریتی کشور است (ملکوتیان و کتابی، ۱۳۹۹: ۸).

با این حال، در مواجهه با این بیانیه، اغلب قرائت‌ها به سطحی‌نگری، شعارگرایی و توصیه‌های عام تربیتی محدود شده‌اند و کمتر تلاشی برای تحلیل ساختار درونی آن، به مثابه یک الگوی راهبردی معنا دار، صورت گرفته است. در نتیجه، ظرفیت‌های نظری و تمدنی بیانیه، همچون نقش آن در بازسازی خودآگاهی تاریخی، فهم موقعیت کنونی و طراحی آینده، در حاشیه مانده است.

این پژوهش، با هدف عبور از قرائت‌های سطحی و در چهارچوب رویکردی نوآورانه، درصدد است بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را براساس الگوی تحلیلی نظریه بحران توماس اسپریگنز مورد واکاوی قرار دهد. بر مبنای این نظریه، هر دستگاه فکری بر ساختاری چهارمرحله‌ای استوار است که شامل «مشاهده بحران»، «تبیین علل آن»، «ترسیم وضع مطلوب» و «ارائه راه‌حل» می‌شود. این تحلیل ساختاری، امکان تبیین ابعاد بیانیه گام دوم برای درک عمیق مسائل گذشته، موقعیت فعلی و چشم‌اندازهای تمدنی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که: «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در چهارچوب نظری توماس اسپریگنز (شامل مراحل مشاهده بحران، تبیین علل، ترسیم وضع مطلوب و ارائه راه‌حل) چگونه قابل تبیین است؟» و فرضیه پژوهش بدین شرح است: «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با الگوی چهارمرحله‌ای توماس اسپریگنز همخوانی دارد؛ زیرا در

آن به مسائل و چالش‌های جامعه پرداخته شده، سپس با رویکردی تاریخی، ساختاری و مدیریتی، علل انحطاط و عقب‌ماندگی تبیین گردیده است. در ادامه، وضع مطلوب در قالب مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی ترسیم شده و درنهایت، راه‌حل‌ها و گام‌های عملی برای تحقق آن ارائه شده است.»

۱. پیشینه پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به منزله سندی راهبردی که چشم‌اندازی نوین از ادامه مسیر انقلاب را ترسیم می‌کند، موضوع بررسی‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف نظری و عملی بوده است؛ از جمله:

الف. مقاله «تبیین اهداف تربیتی بیانیه گام دوم انقلاب» اثر منظری و کهنوجی (۱۴۰۰)، با هدف شناسایی و تحلیل اهداف تربیتی بیانیه در ساحت‌های مختلف تربیت بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساحت اجتماعی-سیاسی بیشترین فراوانی اهداف تربیتی را به خود اختصاص داده و تأکید بر تقویت تعهد و نقش‌آفرینی سیاسی-اجتماعی در جامعه ایران اسلامی دارد. همچنین اهمیت عرصه‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی در تحقق هدف نهایی تربیت، یعنی رسیدن به رضوان الهی، به روشنی نمایان شده است.

ب. غفاری و نیکونهاد (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به بررسی دلالت‌های آینده‌نگارانه این سند پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از روش آینده‌نگارانه مارتالیزلی دریافتند که بیانیه گام دوم، ویژگی‌های یک سند راهبردی را داراست و تصویری مطلوب و روشن از آینده انقلاب را ترسیم می‌کند. براساس یافته‌های این پژوهش، آینده انقلاب اسلامی با افزایش توفیقات در دو عرصه مادی و معنوی و کاهش اثرات منفی دشمنان، آینده‌ای پرامید و خوش‌بینانه است که جوانان نقش محوری در تحقق آن دارند و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را شکل می‌دهند.

ج. اسکندری‌نسب (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب، با تأکید بر وظایف راهبردی عمل جوانان در گام دوم انقلاب» درصدد استخراج و تحلیل وظایف جوانان و سایر اقشار مخاطب در بیانیه برآمده است. این تحقیق براساس روش توصیفی-تحلیلی و

تحلیل محتوای کیفی انجام شده و شش شاخص اصلی وظایف جوانان را شامل جهاد امیدآفرینی، جهاد پیشرفت، دین‌داری و اخلاق، بینش انقلابی و جهاد سیاسی، تعالی نظام و عدالت اجتماعی و جهاد علمی برجسته ساخته است.

د. تحقق دولت اسلامی، به مثابه یکی از پیش‌نیازهای اساسی در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، موضوع پژوهش علویان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحقق دولت اسلامی براساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» بوده است. این پژوهشگر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر بیانیه گام دوم و منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، به بررسی ظرفیت‌ها و راهکارهای تحقق دولت اسلامی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان دهنده آن است که جوانان از مهم‌ترین ظرفیت‌های تحقق دولت اسلامی هستند. همچنین مدیریت جهادی و مشارکت آگاهانه و گسترده مردم، از راهکارهای کلیدی برای پیشبرد این هدف معرفی شده‌اند.

ه. در تحقیقی دیگر، با عنوان «بررسی مبانی بیانیه گام دوم انقلاب و ابعاد ژئوکالچر آن»، سرحدی و همکارانش (۱۴۰۳) به تحلیل حقوقی این بیانیه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نظام‌ها در فرآیند اعمال و تحقق آرمان‌های خویش باید به اصولی پایبند باشند که اصول حاکم بر نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ این اصول عبارت‌اند از: اصل عقلانیت، مردم‌سالاری دینی، حفظ نظام و شعائر، و اصل تخصص و تعهد یا شایستگی. این پایبندی اصولی، به مثابه زیربنای حقوقی نظام اسلامی مطرح شده و به منزله الزامات اساسی برای تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب، مورد تأکید قرار گرفته است.

و. نادری و پیرانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای پیش‌رو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)» به بررسی راهبردهای پیش‌رو در دوران پساچهل سالگی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها بیانیه گام دوم را، به مثابه طرحی راهبردی برای گذر از وضعیت موجود به وضع مطلوب دانسته و چهار راهبرد اصلی پیشتازی، صیانت، رقابتی و مقاومتی را، براساس قوت‌ها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدهای موجود تدوین کرده‌اند. اهمیت این راهبردها، معطوف به بسیج منابع و توانمندی‌های

داخلی، و تأکید بر حکمرانی خردمندان و سبک زندگی اسلامی بوده است که به منزله محورهای اصلی تحقق اهداف بیانیه مطرح شده‌اند.

با وجود دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، بیشتر آن‌ها تنها بر جنبه‌ای خاص از بیانیه گام دوم تمرکز داشته و کمتر به ساختار نظری و انسجام درونی آن پرداخته‌اند. پژوهش فرارو، با رویکردی نوآورانه و براساس نظریه بحران توماس اسپریگنز، در پی تبیین کلان ساختار این بیانیه است، نه صرفاً بخشی از آن. این چهارچوب تحلیلی، امکان فهمی عمیق‌تر و نظام‌مند از بیانیه را فراهم می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز گسترش مباحث نظری و بهره‌گیری عملی از این سند راهبردی شود.

۲. چهارچوب نظری

توماس اسپریگنز (۱۹۱۷-۲۰۰۶)، استاد فلسفه سیاسی در آمریکا، در کتاب مشهور خود، فهم نظریه‌های سیاسی، روش جستاری را معرفی کرده است که به کمک آن می‌توان مطالعه و فهم منطقی اندیشه‌های متفکران سیاسی را ممکن ساخت. از دیدگاه اسپریگنز، هدف نظریه‌های سیاسی فراهم آوردن زمینه‌ای جامع برای درک نقص‌ها و کاستی‌های جامعه و ارائه راهکارهایی برای غلبه بر مسائل و ریشه‌های بی‌نظمی است (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۱۳). تلاش‌های او در مسیر فهم نظریه‌های سیاسی، چهارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد که به کمک آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را کشف کرد (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

اسپریگنز معتقد است اگرچه نظریه‌پردازان سیاسی، از نظر سبک و مفاهیم تفاوت‌های عمده‌ای دارند، اما همگی با مسائل اساسی مشابهی مواجه‌اند و برای پاسخ به آن مسائل، روش‌های نسبتاً همگون به کار می‌گیرند. از این منظر، نظریه‌پردازان سیاسی مراحل نسبتاً مشخص و یکسانی را، از ابتدا تا انتهای فرآیند ذهنی ارائه نظرات خود، طی می‌کنند. این مراحل به ترتیب عبارت‌اند از: مشاهده بی‌نظمی، تشخیص علل آن، بازسازی جامعه و درنهایت، ارائه راهکارها (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۳۸-۴۱).

نقطه آغاز نظریه‌پرداز سیاسی براساس دیدگاه اسپریگنز، مشاهده مسئله یا بی‌نظمی

است. هر متفکری ابتدا این پرسش را مطرح می‌کند که «مشکل چیست؟» ولی تا زمانی که بحران یا بی‌نظمی وجود نداشته باشد، نظریه‌ای شکل نمی‌گیرد (نصرتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰). اسپریگنز این نکته را به صورت استعاره‌ای چنین بیان می‌کند: «نظریه‌های سیاسی مانند مروارید هستند»؛ یعنی نظریه‌ها بدون عامل محرک (مشاهده بحران یا بی‌نظمی) به وجود نمی‌آیند. بیشتر نظریه‌های سیاسی، یا دست‌کم نظریه‌های کلان، برای پرداختن به مشکلات واقعی و مبرم نگاشته شده‌اند و نظریه‌پردازان به دلیل ضرورت فهم عملی آن مشکلات سیاسی، که موجب پیچیدگی و اسارت افراد شده‌اند، به نوشتن و اندیشه‌ورزی مجبور شده‌اند (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۴۳).

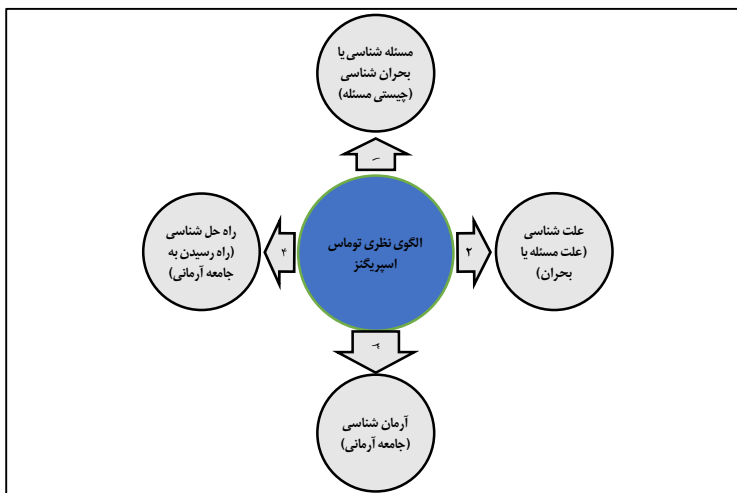
پس از مشاهده بی‌نظمی، قدم دوم جست‌وجوی علل آن است. به باور اسپریگنز، همه نظریه‌پردازان از مشاهده بی‌نظمی در زندگی سیاسی-اجتماعی شروع کرده‌اند (باقری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰). او می‌گوید: «مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس انسان را تحریک و وادار به حرکت می‌کند و او را به مرحله دوم، یعنی تشخیص علل، سوق می‌دهد.» (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۴۳) در این مرحله، نظریه‌پرداز به مثابه تحلیلگری دقیق، علت اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها را، که غالباً پنهان و نامرئی است، جستجو می‌کند؛ زیرا بدون آگاهی از علل واقعی بی‌نظمی، او قادر به ارائه راه‌حل و راهکار برای مقابله با مسائل نخواهد بود (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۹۳).

گام سوم به این پرسش پاسخ می‌دهد که اگر جامعه در وضعیتی نامطلوب (یعنی بی‌نظمی) قرار دارد، وضعیت مطلوب و نظم آرمانی چگونه تصویری دارد؟ (برزگر و عباس تبار، ۱۳۸۵: ۵۵). نظریه‌پرداز در این مرحله باید از تحلیل واقعیات صرف عبور کند و ضمن شکل دادن به تصور آرمان‌شهر، آن را نیز برای مخاطبان خود بازنمایی کند (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۸۰-۱۱۵). جامعه آرمانی در این معنا، جامعه‌ای است که از مشکلات و نابسامانی‌های کنونی آزاد باشد (شیرودی، ۱۴۰۲: ۹۹). اسپریگنز در این زمینه بیان می‌کند: «نظریه‌پرداز صرفاً دنیا را "آن‌گونه که هست" توصیف نمی‌کند. او از توصیف جهان آغاز می‌کند، اما باید جهان را "آن‌گونه که باید باشد" نیز تعریف کند. او بادقت، نابسامانی‌ها و

بحران‌های نظام سیاسی را بررسی کرده و سپس، طرحی ارائه می‌دهد که در آن تمامی نابسامانی‌ها رفع شده‌اند.» (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۲۱)

مرحله چهارم و نهایی در مدل اسپریگنز، ارائه راه‌حل و درمان است. در این مرحله، تعامل میان «هست» و «باید» به وقوع می‌پیوندد (عنایتی شبکلائی، ۱۳۷۷: ۳). در این مرحله، نظریه پرداز اقدام به ارائه راهکارهای عملی می‌کند که به صراحت یا تلویح، به منظور رفع بی‌نظمی و برقراری نظم پیشنهاد شده‌اند (برزگر، ۱۳۸۳: ۴۸). براساس این مدل، ارائه راه‌های دستیابی به جامعه بازسازی شده ضروری است؛ چون بدون ارائه راهکارهای عملی و درمانی، رسالت نظریه پرداز نیمه‌کاره می‌ماند. این مرحله، مربوط به ارائه اقدامات مشخص و مؤثر برای حل بی‌نظمی‌ها و مشکلات موجود است (ر.ک: اسپریگنز، ۱۳۸۹).

براین اساس، نویسنده در پی آن است که با بهره‌گیری از چهارچوب نظری توماس اسپریگنز در تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، رویکردی ژرف و منسجم در فهم آن عرضه کند. این چهارچوب، با تکیه بر چهار مرحله «مشاهده مسئله»، «تبیین علل»، «ترسیم وضع مطلوب» و «ارائه راه‌حل»، بستر تحلیلی منظم و منطقی برای بازشناسی ساختار درونی بیانیه فراهم می‌سازد. نظریه بحران اسپریگنز، در قالب الگوی زیر به نمایش گذاشته شده است:



شکل ۱. مدل تبیینی اسپریگنز
(منبع: پاشائی و نعیم‌آبادی، ۱۴۰۲: ۸۵)

۳. مراحل اسپریگنزی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

با کاربست مراحل و مدل تبیینی اسپریگنز، در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یافته‌های چهارگانه زیر به دست آمد:

۳-۱. مشاهده بحران (شناسایی نابسامانی‌ها و چالش‌های بنیادین)

طبق الگوی تحلیلی اسپریگنز، نخستین گام در فرآیند نظریه‌پردازی، شناسایی نوعی بی‌نظمی یا نابسامانی در وضعیت موجود است؛ وضعیتی که استمرار آن، نه مطلوب است و نه ممکن، بلکه نیازمند دگرگونی بنیادین به شمار می‌رود.

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز رهبر شهید انقلاب در عین تأکید بر دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی، به مجموعه‌ای از بحران‌ها و مشکلات بنیادین اشاره می‌کنند، که در صورت بی‌توجهی می‌تواند مسیر انقلاب را با تهدید روبه‌رو سازد.

یکی از اصلی‌ترین مسائل تأکیدشده در بیانیه، فاصله میان آرمان‌ها و واقعیت‌هاست. در بند پنجم مقدمه، آمده است: «بی‌شک، فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ اذعان به اینکه در تحقق کامل عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و دستیابی به پیشرفت اقتصادی، هنوز ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد.

در بند نخست از سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی، بحران رسانه‌ای و تحریف واقعیت‌ها، به‌منزله یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه مطرح شده است؛ رهبر شهید انقلاب با لحنی هشداردهنده تأکید می‌کند: «خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک، و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ.» (همان) ایشان این وضعیت را ابزار اصلی دشمنان در جنگ رسانه‌ای با ملت ایران می‌دانند. این هجمه نه‌تنها بیرونی، بلکه درونی نیز هست؛ چنان‌که در بند دوم توصیه‌ها آمده است: «دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها، در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.» افزون بر این، تهدیدات فرهنگی رسانه‌های نوین نیز خطری مضاعف به شمار می‌روند: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر،

امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد‌معنویت و ضد‌اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان، با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم.» (همان)

در ادامه، متن بیانیه به مسئله عقب‌ماندگی علمی تصریح دارد. در بند نخست توصیه‌ها آمده است: «ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم، باید به قله‌ها دست یابیم» (همان)؛ عبارتی که ضرورت رفع موانع، ارتقای زیرساخت‌های پژوهشی و شتاب بخشیدن به حرکت علمی کشور را یادآور می‌شود.

رهبر شهید انقلاب، در بند سوم توصیه‌ها، از نابسامانی‌های ساختاری اقتصاد ایران سخن می‌گوید و تصریح می‌کند: «مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد، که در حیطه وظایف دولت نیست؛ نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه، در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است.» (همان)

نتیجه چنین وضعیتی، به‌طور مستقیم بر زندگی مردم تأثیر گذاشته و بنابر تعبیر ایشان، موجب بروز مشکلاتی چون بیکاری جوانان، فقر درآمدی در طبقات ضعیف، و مسائل مشابه شده است.

در بند هفتم توصیه‌ها، رهبر شهید انقلاب به مسئله سبک زندگی اشاره کرده و تلاش غرب برای تحمیل الگوهای خود را تهدیدی همه‌جانبه معرفی می‌کند؛ در این بند آمده است: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است.» (همان) این بحران فرهنگی، هنگامی خطرناک‌تر می‌شود که با جنگ رسانه‌ای و تهاجم به ارزش‌های معنوی در هم می‌آمیزد و بنیان‌های اخلاقی جامعه را هدف می‌گیرد.

درنهایت، ایشان در بیانیه، درباره خطر یأس‌آفرینی در میان جوانان هشدار داده و تأکید می‌کند که دشمنان با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، در پی تضعیف امید و انگیزه نسل

جوان هستند تا آنان را از ایفای نقش تاریخی خود بازدارند (همان). ایشان در بیان دیگری نیز یادآور شده‌اند که یکی از اقدامات اصلی دشمن، ایجاد ترس و یأس در جامعه است و باید در برابر این سیاست‌ها ایستادگی کرد: «یکی از کارهای مهم دشمن، ترساندن است، هراس افکنی است. می‌توانید مقابله کنید با اختلاف افکنی دشمن، می‌توانید مقابله کنید با یأس آفرینی دشمن.» (بیانات، ۱۴۰۳/۱۰/۲)

بدین ترتیب، بحران‌های مطرح در بیانیه گام دوم را می‌توان در محورهایی چون فاصله میان آرمان و واقعیت، جنگ رسانه‌ای و تحریف واقعیت‌ها، عقب‌ماندگی علمی، نابسامانی اقتصادی، نفوذ فرهنگی و سبک زندگی غربی و یأس آفرینی در میان جوانان صورت‌بندی کرد. این چالش‌ها در پیوندی درهم‌تنیده، تصویری جامع از وضعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌کنند و ضرورت دگرگونی بنیادین را پیش چشم می‌گذارند.

۲-۳. تبیین علل (ریشه‌یابی تاریخی، ساختاری و فرهنگی چالش‌ها)

گام دوم در مدل اسپریگنز، مرحله ریشه‌یابی است. پس از آنکه نابسامانی‌های موجود شناسایی شد، این پرسش اساسی پدید می‌آید که «منشأ این نابسامانی‌ها چیست و چه عواملی موجب شکل‌گیری وضعیت نامطلوب گردیده‌اند؟». در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به روشنی ریشه‌های این بحران‌ها بیان شده است.

نخستین ریشه استبداد و وابستگی تاریخی ایران، در دوره پهلوی نهفته است؛ امام خامنه‌ای تصریح می‌کند: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد. اولاً، همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت... و چه وضع به شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) آغاز از نقطه صفر، نتیجه سلطنتی بود که به تعبیر ایشان، «اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به‌دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود» (همان). بدین ترتیب، استبداد داخلی و سلطه بیگانگان در گذشته، یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های مشکلات جامعه ایران معرفی شده است.

در بیانیه، ریشه وابستگی و تقلیدگرایی علمی نیز به‌وضوح دیده می‌شود. در بند دوم

سرفصل برکات انقلاب اسلامی آمده است: «ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت، به جز مونتاژ و در علم، به جز ترجمه هنری نداشت.» (همان) این عبارت نشان می‌دهد که پروژه مدرنیزاسیون پهلوی، بر الگویی مونتاژی و وابسته استوار بود که توان بومی جامعه را سرکوب و کشور را در برابر بیگانگان، نیازمند نگاه داشت.

از منظر فرهنگی و اخلاقی، بحران هویتی و معنوی از دیگر ریشه‌های اساسی وضعیت پیش از انقلاب به شمار می‌رود؛ ایشان در بیانیه توضیح می‌دهد: «تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری... لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌ویژه جوانان کشانده بود.» (همان) درحقیقت، رژیم پهلوی نه تنها تجسم استبداد سیاسی، بلکه مجری طرحی فرهنگی برای ترویج الگوی غرب‌زده و زدودن معنویت از حیات اجتماعی بود؛ چنان‌که امام خامنه‌ای در جای دیگری تصریح فرموده است: «بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خبثات آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست می‌کردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی، به‌وسیله عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به وجود آمد و اتفاق افتاد.» (بیانات، ۱۴۰۳/۱۰/۱۷) این وضعیت در بیانیه، به‌منزله «سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش» توصیف شده و بخشی از یک پروژه تمدنی تقلیدی دانسته شده است (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در حوزه اقتصادی، تبعیض و نابرابری ساختاری، به‌مثابه یکی دیگر از ریشه‌ها برجسته می‌شود. در بند پنجم «برکات انقلاب اسلامی» آمده است: «در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان بود و مردم بیشتر شهرها، به‌ویژه مناطق دوردست و روستاها، غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند.» (همان) این ساختار رانتی و تبعیض‌آلود، بخش‌های گسترده‌ای از جامعه را به حاشیه راند و مشروعیت و کارآمدی حاکمیت را سلب کرد.

در حوزه معرفتی و سیاسی نیز فقدان خودآگاهی عمومی و بی‌اعتمادی سیاسی، از

ریشه‌های مهم مسائل معرفی شده است. در بند چهارم برکات انقلاب اسلامی آمده است: «تحلیل سیاسی... را از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد... و مسائل حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.» (همان) این جمله نشان می‌دهد که یکی از ریشه‌های اساسی بحران، فقدان خودآگاهی سیاسی در دوره پهلوی بود که به سلطه‌پذیری و بی‌هویتی منجر شد. در همین راستا، شهید بهشتی نیز ریشه بحران را در ستیز رژیم با هویت دینی می‌داند و می‌گوید: «درد اصلی این بود که دارند اسلام را در جامعه ما ریشه‌کن می‌کنند... مانع از حاکمیت الله و حاکمیت اسلام و قرآن بر این سرزمین و جامعه هستند.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۷۲-۲۷۳) ایشان در جای دیگر می‌افزاید: «مدام که در جامعه‌ای در یک سو، گرسنه بیچاره از سرما لرزان وجود دارد و از سوی دیگر، متمولان، برخوردار از همه چیز؛ این جامعه لجن است. تمام چهره‌اش را هم که با قرآن بپوشانید، باز لجن است.» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ۵۹)

باین حال، ریشه‌یابی مسائل، تنها محدود به دوره پهلوی نیست. در بند مربوط به «انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم» آمده است که برخی چالش‌ها ناشی از «باقی ماندن عقب‌ماندگی‌های به ارث رسیده از گذشته» و نیز «بعضی ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها در مدیریت‌ها» است که موجب شد بخشی از ظرفیت‌های ملی بالفعل نگردد (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

همچنین امام خامنه‌ای متذکر می‌شود: «بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود، که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این، بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ، بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.» (همان) ایشان در بیان دیگری در این باره می‌فرماید: «اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامی‌های امروز ما در رسیدن به هدف‌های انقلاب، به خاطر کم‌اعتنایی به عدالت است. هرکدام از ما نسبت به خودمان اغماض می‌کنیم... اسم عدالت را می‌آوریم، اما در عمل نسبت به خودمان گذشت داریم. خیلی از امکانات را برای خود روا می‌داریم که برای دیگران روا نمی‌دانیم... نباید مردم احساس کنند در مسابقه زندگی، هیچ مرزی به نام عدالت

وجود ندارد. می بینید کسی ثروت نامشروعی را از راهی غیر عادلانه به دست آورده... بعد هم طلبکار است که به مملکت خدمت کرده! در ذهن او عدالت هیچ نقشی ندارد... ما باید این فرهنگ را در ذهن خود و جامعه منتشر کنیم.» (بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

در مجموع، از منظر امام خامنه ای در بیانیه گام دوم، ریشه های مسائل موجود را می توان در چهار سطح اصلی تحلیل کرد: نخست، استبداد داخلی و سلطه بیگانه در دوره پهلوی، که کشور را در مسیر وابستگی و بی هویتی قرار داد؛ دوم، پروژه فرهنگی و اخلاقی غرب زده، که معنویت و هویت ایرانی-اسلامی را تضعیف کرد؛ سوم، ساختار رانتی و تبعیض آلود اقتصادی، که شکاف های اجتماعی و منطقه ای را تشدید کرد؛ چهارم، ضعف های مدیریتی و فرهنگی پس از انقلاب، که مانع شکوفایی کامل ظرفیت های ملی شد.

ایشان در این تحلیل چندلایه، دیدگاهی جامع و واقع گرایانه از منشأ بحران ها ارائه می دهد و تأکید می کند که راهکارهای عملی برای عبور از بحران، باید به تمامی این ریشه ها توجه داشته باشند.

۳-۳. ترسیم وضع مطلوب (توصیف جامعه آرمانی)

مطابق الگوی اسپریگنز، در مرحله سوم نظریه پردازی، پس از شناسایی بحران ها و تحلیل ریشه های آن ها، باید تصویری از جامعه مطلوب ارائه شود؛ جامعه ای که در آن بی نظمی ها و نابرابری ها برطرف شده و مسیر به سوی کمال، توازن و عدالت گشوده گردد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این جامعه آرمانی را در قالب سه افق کلان ترسیم می کند: خودسازی فردی و معنوی، جامعه پردازی عادلانه و عقلانی، و تمدن سازی نوین اسلامی. این سه سطح، به مثابه حلقه های به هم پیوسته، طرحی از نظمی نوین را در برابر نظم موجود جهانی و گذشته استبدادی ایران عرضه می کنند.

نخستین بُعد جامعه مطلوب، استقلال همه جانبه است. در بندهای آغازین بیانیه به تصریح بیان شده است که «انقلاب اسلامی با همه دشواری ها و چالش های بزرگ، توانست کشور و ملت ایران را از چنگال وابستگی نجات دهد و استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را به آنان بازگرداند» (پیام ها و نامه ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در این چشم‌انداز، جامعه آرمانی، جامعه‌ای است آزاد، مستقل و متکی بر ظرفیت‌های درونی خود، که با حفظ عزت ملی، از هرگونه سلطه سیاسی و فرهنگی بیگانگان رهاست. دومین ویژگی، عدالت اجتماعی و اقتصادی است. عدالت نه یک شعار، بلکه هسته سخت جامعه آرمانی است. در بند پنجم برکات انقلاب اسلامی آمده است که «عدالت موردانتظار در جمهوری اسلامی، که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است» (همان). این عدالت، هم در توزیع منابع و فرصت‌ها و هم در رفع تبعیض و شکاف‌های طبقاتی معنا می‌یابد. رهبر انقلاب در بیانیه، جامعه مطلوب را جامعه‌ای می‌داند که اقتصاد آن «مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف» باشد (همان).

سومین مؤلفه، پیشرفت علمی و دانایی محوری است. در بند نخست سرفصل‌ها و توصیه‌ها آمده است: «ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم، باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم... این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد.» (همان) در این نگاه، جامعه آرمانی جامعه‌ای است که نه در حاشیه دانش جهانی، بلکه در متن تمدن علمی بشر قرار گرفته و مرجعیت علمی و فناوری را در دست دارد.

چهارمین شاخصه، معنویت و اخلاق‌مداری است؛ ایشان در بیانیه تصریح می‌کند: «معنویت و اخلاق، روح انقلاب اسلامی و ضامن همه حرکت‌های آن است... معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های اخلاقی، همچون خیرخواهی، ایثار، صداقت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر ارزش‌های والا است.» (همان) در جامعه مطلوب، توسعه مادی و پیشرفت علمی، بدون تعالی روحی و اخلاقی، بی‌ارزش است و تنها با پیوند این دو، سعادت حقیقی انسان محقق می‌شود.

پنجمین ویژگی، اقتدار فرهنگی و مصونیت هویتی است. در بند دوم سرفصل‌ها و توصیه‌ها آمده است: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است... در دوره پیش‌رو، باید برنامه‌های

کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.» (همان) در برابر این تهدید، بیانیه جامعه مطلوب را جامعه‌ای می‌داند که با اتکا به هویت اسلامی و ایرانی خود، از فرهنگ اصیل پاسداری کرده و در برابر هجوم فرهنگی و رسانه‌ای دشمن، کنشگر و الهام‌بخش است.

ششمین مؤلفه، مردم‌سالاری دینی است؛ در متن بیانیه آمده است: «جمهوری اسلامی، نخستین نظامی است که سیاست را با معنویت درآمیخت و مردم‌سالاری دینی را به نمایش گذاشت.» (همان) این مردم‌سالاری، جامعه مطلوب را به الگویی یگانه در جهان معاصر مبدل می‌سازد که در آن، نقش مردم نه نمادین، بلکه واقعی و تعیین‌کننده است.

درنهایت، افق نهایی جامعه آرمانی، تمدن نوین اسلامی است. ایشان در بیانیه، انقلاب اسلامی را آغازگر مرحله‌ای از تمدن‌سازی می‌داند که اهدافی فراتر از مرزهای ملی را دنبال می‌کند. تمدن نوین اسلامی، الگویی برای باززنده‌سازی عزت و کرامت انسان مسلمان و آزادی ملت‌ها از سیطره استبداد است. (تلاشان، ۱۳۹۹: ۱۳) رهبری شهید انقلاب تصریح دارد: «اگر بخواهیم مصداقی عینی برای تمدن نوین اسلامی بیان کنیم... هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی، ایجاد همین تمدن است.» (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳) این تمدن، با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، اخلاقی و فرهنگی، راهی تازه برای پیشرفت انسان و تحقق عدالت جهانی ترسیم می‌کند.

در مجموع، از نگاه امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، جامعه آرمانی دارای شاخص‌هایی چندبعدی است: استقلال همه‌جانبه، عدالت اجتماعی و اقتصادی، شکوفایی علمی، اخلاق و معنویت، اقتدار فرهنگی، مردم‌سالاری دینی و تمدن‌سازی نوین اسلامی. این تصویر، نه تکرار تجربه شرق و غرب، بلکه بدیلی بومی و الهی است که برپایه هویت تاریخی ایران و ارزش‌های اسلامی، راهی تازه برای آینده بشریت می‌گشاید.

۳-۴. ارائه راه حل (راهکارهای تحقق جامعه آرمانی)

براساس مدل اسپریگنر، مرحله نهایی نظریه‌پردازی، ارائه درمان است؛ یعنی طرح راهکارهای عملی که بتوانند وضعیت نابسامان موجود را به سوی نظم آرمانی هدایت کنند. رهبر شهید انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، این راهکارها را در قالب چند محور کلیدی

ارائه کرده است که عمدتاً بر نقش جوانان مؤمن و مسئولیت‌پذیر، فعال‌سازی ظرفیت‌های ملی، خودباوری، حرکت جهادی و تقویت هم‌زمان ابعاد علمی، معنوی و اخلاقی تأکید دارند.

۱-۴-۳. نقش محوری جوانان انقلابی و مسئولیت‌پذیری

در بند سوم «انقلاب چهل‌ساله و گام‌های بزرگ دوم» آمده است: «شما جوانان هستید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و هرچه بیشتر به آرمان بزرگ نزدیک کنید... مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان در همه میدان‌ها، باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت دهند.» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان در بیان دیگری، اهمیت نقش جوان را این‌گونه مورد توجه قرار می‌دهند: «ما در این حدود چهل سال، جهادهای متعددی داشته‌ایم. در همه این جهادها، جوان‌ها جلو بوده‌اند، جوان‌ها راه‌گشا بوده‌اند، جوان‌ها نوک پیکان بوده‌اند.» (بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۲) ایشان دهه‌های آینده را متعلق به نسل جوان می‌دانند؛ نسلی که باید کارآزموده، پُرانگیزه و مسئولیت‌پذیر باشد و راه انقلاب را به سوی آرمان بزرگ تمدن نوین اسلامی ادامه دهد. نسل جوان در این دیدگاه، نه پیرو صرف مسیر گذشته، بلکه عامل تحول، نوآوری و عمل جهادی برای پیشرفت کشور معرفی شده است.

۲-۴-۳. بهره‌گیری از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی بی‌نظیر کشور

رهبر شهید انقلاب در بیانیه تأکید فرموده است: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است... ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای هفت درصد ذخایر معدنی جهان است.» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

همچنین در بیان دیگری از ایشان آمده است: «هوش و استعداد ذاتی ایرانی، معادن عظیم، موقعیت جغرافیایی ممتاز، مرزهای آبی و بازار بزرگ داخلی و منطقه‌ای، شبکه راه‌ها و راه‌آهن، توانمندی‌های فنی و صنعتی، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، موارث فرهنگی و تمدنی، گردشگری و ایمان دینی مردم... بهره‌گیری درست از این ظرفیت‌ها، پیشرفت کشور

را تضمین می‌کند و فرد اصلح کسی است که بتواند از این فرصت‌ها استفاده کند. نگاه به خارج، مانع شناسایی این ظرفیت‌هاست.» (بیانات، ۱۴۰۳/۴/۵) این سخن نشان می‌دهد که ایران با منابع طبیعی فراوان، موقعیت راهبردی و نیروی انسانی جوان، یکی از کشورهای کم‌نظیر جهان است و فعال‌سازی خردمندان این ظرفیت‌ها می‌تواند به جهش مادی و معنوی کشور منجر شود.

۳-۴-۳. توسعه علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان

در بند سوم سرفصل‌ها و توصیه‌ها آمده است: «باید از مرزهای کنونی دانش، در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم... اقتصاد درون‌زا، مولد و دانش بنیان شود... مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت... برنامه‌های اقتصاد مقاومتی را با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت پیگیری کنند.» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) ایشان توسعه علمی و فناوری را کلید عبور از عقب‌ماندگی تاریخی و شرط استقلال اقتصادی معرفی می‌کند. همچنین از نگاه رهبر شهید انقلاب، اقتصاد مقاومتی با تولید ملی باکیفیت، توزیع عادلانه و مصرف منطقی، به عدالت اجتماعی و خودکفایی منجر می‌شود.

۳-۴-۴. معنویت و اخلاق؛ ستون محکم جامعه

در بند دوم سرفصل‌ها و توصیه‌ها آمده است: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی، مثل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان است و اخلاق به معنای رعایت فضایل، چون خیرخواهی، گذشت، راست‌گویی، شجاعت و اعتمادبه‌نفس... بودن این‌ها، حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودنشان، حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» (پیام‌ها و نامه‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) بنابراین، رشد معنوی و اخلاقی جامعه و مقابله با جبهه‌های ضد معنویت، همراه با توسعه مادی، شرط پایداری انقلاب و جامعه اسلامی است.

۳-۴-۵. حفظ عزت ملی و مرزبندی هوشمندانه در عرصه بین‌المللی

رهبر شهید انقلاب در بند نهایی توصیه‌ها تأکید می‌کند: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با دشمنان بادقت حفظ کند... از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام

هم عقب‌نشینی نکنند... از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد.» (همان) ایشان در این بخش از بیانیه، بر اصول «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط خارجی تأکید دارد و این رویکرد را عامل حفظ اقتدار ملی، ثبات راهبردی و جلوگیری از نفوذ دشمن می‌داند.

۴-۳-۶. مقابله با تحریف تاریخ و هوشیاری در برابر دشمن

در بند هفتم مقدمه آمده است: «باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر غفلت شود، دروغ‌ها جای حقیقت خواهند نشست... رهنان فکر و عقیده بسیاریند، حقیقت را از دشمن نمی‌توان شنید.» (همان) بر همین اساس، آگاهی‌بخشی، شناخت درست گذشته و تقویت گفتمان انقلاب، از راهبردهای محوری برای مقابله با جنگ شناختی و رسانه‌ای دشمن محسوب می‌شود.

۴-۳-۷. حرکت جهادی، خودباوری و اعتماد به ظرفیت ملی

رهبر شهید انقلاب، در بند سوم سرفصل‌ها و توصیه‌های بیانیه تأکید دارد: «کشور با ایمان و همت بلند جوانان و تلاش مدیریتی مسئولانه می‌تواند به قله‌های افتخار و پیشرفت برسد.» (همان) این جمله، پیوند میان ایمان، تلاش جهادی و مدیریت کارآمد را کلید عبور از چالش‌ها معرفی می‌کند. از روحیه «ما می‌توانیم»، که امام خمینی علیه السلام در ملت ایران زنده کرد، همچون سرچشمه خودباوری و اقتدار ملی یاد شده است.

در همین راستا، ایشان در جمع‌بندی بیانیه تصریح می‌کند که به‌رغم همه مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های استوارتر برداشته است. چهل سال گذشته است، صحنه‌های بزرگ و افتخارات درخشان بوده و پیشرفت‌های ایران اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های بزرگی چون فرانسه، اکتبر شوروی و هند، جایگاهی ممتاز دارد (همان). این پیشرفت‌ها حاصل مدیریت‌های جهادی و ایمان اسلامی است که راه آینده را روشن ساخته است.

در نتیجه، ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با ارائه راهکارهای عملی، نقشه‌ای روشن برای عبور از بحران‌ها و حرکت به سوی جامعه آرمانی ترسیم می‌کند. تأکید بر نقش جوانان، استفاده از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی، توسعه علمی و اقتصادی، تقویت معنویت

و اخلاق، حفظ عزت ملی، مقابله با تحریف تاریخ و ترویج خودباوری و حرکت جهادی، نشان می‌دهد که این بیانیه، یک طرح جامع و چندلایه برای بازسازی جامعه اسلامی در همه ابعاد است.

نتیجه‌گیری

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بر مبنای الگوی نظری اسپریگنز نشان می‌دهد که این بیانیه را می‌توان به منزله یک نظریه سیاسی و تمدنی جامع، در چهار مرحله پیوسته تحلیل کرد: شناسایی بحران‌ها، ریشه‌یابی آن‌ها، ترسیم جامعه مطلوب و ارائه راهکارهای عملی.

در مرحله نخست، یافته‌ها نشان می‌دهد که رهبر شهید انقلاب با نگاهی واقع‌گرایانه به وضعیت جمهوری اسلامی، مجموعه‌ای از چالش‌های بنیادین را برشمرده است؛ از جمله فاصله میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها، جنگ رسانه‌ای و تحریف، عقب‌ماندگی علمی، نابسامانی اقتصادی، بحران سبک زندگی و یأس‌پراکنی در میان جوانان. این چالش‌ها در بیانیه نه فقط توصیف، بلکه به منزله نشانه‌هایی از بی‌نظمی و ناپایداری در نظام اجتماعی تحلیل شده‌اند. در مرحله دوم، یافته‌ها تصریح دارد که رهبر شهید انقلاب در بیانیه، منشأ اصلی بحران‌ها را در استبداد و وابستگی تاریخی ایران در دوره پهلوی، پروژة فرهنگی غرب‌زده، ساختار رانتی و تبعیض‌آلود اقتصاد، و نیز ضعف‌های مدیریتی و فرهنگی پس از انقلاب می‌داند. بدین ترتیب، متن بیانیه با رویکردی تاریخی و تحلیلی، پیوند میان بحران‌های کنونی و میراث گذشته را تبیین کرده و بر ضرورت اصلاحات عمیق در ساختارهای فکری، اقتصادی و مدیریتی تأکید دارد.

در مرحله سوم، ایشان در بیانیه، تصویری روشن از نظم مطلوب ارائه می‌دهد که در آن، استقلال همه‌جانبه، عدالت اجتماعی و اقتصادی، پیشرفت علمی و دانایی محوری، اخلاق و معنویت، اقتدار فرهنگی و مردم‌سالاری دینی، عناصر کلیدی تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند. یافته‌ها نشان دهنده آن است که این آرمان نه در سطح ایده‌آل‌گرایانه، بلکه به صورت یک طرح اجرایی و تمدنی، متکی بر تجربه چهل‌ساله انقلاب، صورت‌بندی شده است.

در مرحله چهارم، ایشان مجموعه‌ای از راه‌حل‌های عینی را پیشنهاد می‌کند که شامل نقش‌آفرینی جوانان انقلابی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی، توسعه علمی و اقتصاد دانش‌بنیان، تقویت معنویت و اخلاق، حفظ عزت ملی، مقابله با تحریف تاریخ، و ترویج روحیه جهادی و خودباوری است. این راهکارها نشان می‌دهد که بیانیه نه صرف توصیف، بلکه نسخه‌ای عملی برای عبور از بحران و رسیدن به آرمان تمدن نوین اسلامی است.

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

این مطالعه برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمانهای تأمین مالی در بخشهای عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

کتاب نامه

اسپریگنز، توماس (۱۳۸۹). فهم نظریه‌های سیاسی. (فرهنگ رجایی، مترجم). تهران، آگاه.
 باقری دولت‌آبادی، علی، و موسویان، سید شاهرخ (۱۳۹۸). بررسی اندیشه سیاسی حافظ در
 چارچوب نظریه اسپریگنز. پژوهش سیاست نظری، ۱۴(۲۶)، ۱۳۳-۱۶۱. Doi: 20.1001.1.20085796.1398.11.26.5.5

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۳). مسئله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری
 اسپریگنز. پژوهش حقوق عمومی، ۶(۱۲)، ۴۵-۷۴.
 برزگر، ابراهیم، و عباس تبار فیروزجاه، حبیب‌الله (۱۳۸۵). اندیشه سیاسی فارابی و روش
 جستاری اسپریگنز. پژوهش حقوق عمومی، ۸(۲۱)، ۵۳-۷۹.
 پاشائی علی‌زاده، مجتبی، و نعیم‌آبادی، حسن (۱۴۰۲). تبیین اسپریگنزی نظریه انقلاب عرفانی
 لیلی عشقی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۵(۱۸)، ۹۵-۷۷.
 تلاشان، حسن (۱۳۹۹). الزامات سیاسی تحقق تمدن نوین اسلامی. تمدن اسلامی و
 دین‌پژوهی، ۲(۶)، ۱۰-۲۶.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۷۹). بایدها و نبایدها. تهران، بقعه.
 حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). ولایت، رهبری و روحانیت. تهران، بقعه.
 حقیقت، سید صادق، و حجازی، حامد (۱۳۸۹). نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران
 اسپریگنز در مطالعات سیاسی. علوم سیاسی، ۱(۴۹)، ۱۸۹-۲۰۹.

خامنه‌ای، سید علی، بیانات و پیام‌ها، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
 شیروودی، مرتضی، و شیروودی، محمدسجاد (۱۴۰۲). تحلیل اسپریگنزی زوال و بقاء تمدنی در
 آرای سیاسی اندیشمندان مسلمان. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۳(۶)، ۹۵-
 ۱۱۶. Doi: 10.22034/RCDIR.2023.190256

عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۷۷). نگاهی از درون به نظریه‌های سیاسی: بررسی و نقد کتاب فهم
 نظریه‌های سیاسی. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۷۷(۱۴)، ۱۴-۱۷.
 ملکوتیان، مصطفی، و کتابی، امیرعلی (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و راهکارها و
 راهبردهای عملیاتی شدن آن. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۷-۲۷. dor:
 20.1101.1.23222573.1399.9.3.13.8

نصرتی، بهاره، آذین، احمد، و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی اندیشه سیاسی سید قطب
 برمبنای روش‌شناسی توماس اسپریگنز. سیاست متعالیه، ۷(۲۵)، ۴۵-۶۴. Doi:
 10.22034/sm.2019.37446

Transliterated Bibliography

- Bagheri Dolatabadi, A., & Mousavian, S. S. (2019). A study on Hafiz's political thought based on Spragens' theory. *Research in Theoretical Politics*, 14(26), 133–161. doi:20.1001.1.20085796.1398.11.26.5.5 [In Persian].
- Barzegar, E. (2004). The Palestine issue in contemporary Islamic political thought and Spragens' heuristic method. *Public Law Research*, 6(12), 45–74. [In Persian].
- Barzegar, E., & Abbas-Tabar Firuzjah, H. (2006). Farabi's political thought and Spragens' heuristic method. *Public Law Research*, 8(21), 53–79. [In Persian].
- Enayati Shabkolaei, A. (1998). An internal view of political theories: Review and critique of the book *Understanding political theories*. *Book of the Month of Social Sciences*, 77(14), 14–17. [In Persian].
- Haghighat, S. S., & Hejazi, H. (2010). A critical look at the application of Spragens' crisis theory in political studies. *Political Science*, 1(49), 189–209. [In Persian].
- Hosseini Beheshti, S. M. (2000). *Shoulds and should nots*. Tehran: Bogheh. [In Persian].
- Hosseini Beheshti, S. M. (2011). *Guardianship, leadership and clergy*. Tehran: Bogheh. [In Persian].
- Khamenei, S. A. (n.d.). *Statements and messages*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir> [In Persian].
- Malakotiyani, M., & Ketabi, A. A. (2020). Statement of the second step of the Islamic Revolution and its strategies for implementation. *Islamic Revolution Research*, 9(4), 7–27. doi:20.1101.1.23222573.1399.9.3.13.8 [In Persian].
- Nosrati, B., Azin, A., & Golshani, A. (2019). An examination of Sayyid Qutb's political thought based on Thomas Spragens' methodology. *Transcendent Politics*, 7(25), 45–64. doi:10.22034/sm.2019.37446 [In Persian].
- Pashaei Alizadeh, M., & Naeimabadi, H. (2023). Spragensian explanation of the mystical revolution theory of Layli Eshghi. *Islamic Revolution Studies*, 5(18), 77–95. [In Persian].
- Shirodi, M., & Shirodi, M. S. (2023). A Spragensian analysis of civilizational decline and survival in the political thought of Muslim thinkers. *Political Studies of the New Islamic Civilization*, 3(6), 95–116. doi:10.22034/RCDIR.2023.190256 [In Persian].
- Spragens, T. A. (2010). *Understanding political theories* (F. Rajaei, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian].
- Talashan, H. (2020). The political requirements of the realization of the new Islamic civilization. *Islamic Civilization and Religious Studies*, 2(6), 10–26. [In Persian].